

راه توده

۱۱ شهریور ۱۳۷۶
۵۰ فنیک آلمان، ۲۵ سنت آمریکا

محمود دولت آبادی، رمان نویس ایران، طی نامه ای خطاب به محمد خاتمی، رسیدن وی به ریاست جمهوری را به وی تبریک گفته و درعین حال نکاتی را یاد آور شده است. دولت آبادی در نامه خود تاکید می کند، که انتخاب "خاتمی" خوش بیاری ارباب ذوق و قلم و فرهنگ نبود، او در نخستین و پسین گام ها نیز شانس جمهوری اسلامی ایران است به جهت قرار و استمرار در لزوم مدارای حکومت با مردم، همچون مابه ازاء مدارای مردمان با حکومت در قریب دو دهه ای که گذشت و هیچ آسان نبود!

متن این پیام را در زیر می خوانید:

محمود دولت آبادی: دو دهه مدارای دشوار مردم "با" حکومت!

جناب آقای دکترسید محمد خاتمی

مقام ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

چنین درمی یابم که حضرت عالی به قدر کفایت از زبان دل مردم ایران تبریک و تهنیت دریافت کرده اید، نیز می توان درک کرد که رگه چاپلوسی را در اشخاصی که سعایت کنندگان فردای روز خواهند بود، با بصیرت خاصی که در شما قابل تشخیص است دریافته باشید.

آگاهی و بصیرت شما این اطمینان را به انسان می بخشد که با پیشینه تاریخی دو دلمایه بدنهاد "چاپلوسی- سعایت" در فرهنگ سیاسی معیوب ایران آشنا هستید و نیک می دانید که چهره های متین، پربار و درخشان ما ایرانیان، و به تبع آن تاریخ سرزمین ما، بخصوص از همین زاویه آسیب پذیر شده و آسیب های عمیق پذیرفته اند. از نامیمونی همین دو ویژگی است: بزرگی راستین و مسکن را به نسبی جلالت آوردن، و از ناپسندیدگی سبکی و جلالت، بزرگی کاذب ساختن.

دیگرچنین مباد. اما "چنین نبودن" به توأم ساختن اجتماعات منشا شما بستگی دارد که چگونه بتوانید از خود همچون نشانه ای از تجلی روحی پیچیده یک ملت در یافت جهانی چنین فرصت جو، صیانت کنید. صریح بگویم که یک مردم گسیخته و بی سامان اجتماعی هرگز نمی توانند و نتوانسته اند نیز که از خود و تجلیات روح خود مراقبت و صیانت کنند، که مردم در پیوند با یکدیگر مردمانند و محور این پیوند، محور مستمر این پیوند نمی تواند فقط در صندوق های مقوایی آراء خلاصه شود. آراء مردم فقط یک پیش درآمد پرشکوه است در آستانه حرکت ملایم و سنجیده یک سنفونی بزرگ که می تواند و می باید در بالتهای بهنگام و متوازن، با دقت ذهن و انگشتانی واقف، به فرجام قانع کننده اش برسد، فرجامی خود زمینه ساز آغازی شادمانه تر.

اکنون و نیز در ایام حضور جناب عالی در عرصه های رفتار و گفتارهای سیاسی، خاکسار این قلم بیش از هر دوره ای امیدوار به تعیین صلح آمیز سرنوشت مردم و سرزمینی بوده که بس به آن و بدان بسته است، پس لحظه به لحظه مجذوب این پیوند منطقی و دلخواه می بوده که بین گزین کنند و گزین شونده اش دارد رقم می خورد، که رقم خورده است. این اتفاق ساده ای نبوده است و شما نیک واقفید که پدیداری چنین احساس و ادراکی، چه مسئولیت سنگینی را متوجه وجدان مدیر اجرایی مانی می کند که بعد از قریب قرنی تاریخ مثله شده دوران معاصر، یک بار بدون پرده پوشی، بدون زبان جویدن و کج و معج کردن واژگان و عبارات، اصول خواسته شده مردم ایران در طول دهه ها را، روشن و آشکارا تبیین می کند: قانون و قانون. جامعه مدنی و قانون. قانون و ضرورت آزادی، و حرمت آزادی. آزادی و ضرورت فرهنگ در جامعه مدنی، حقوق زن، تشخص جوانان. حقوق فردی و اجتماعی انسان!

آری... ضرورت تغییر! در تاریخ اخیر معاصر ایران، طرح این مدینه فاضله ممکن به بسی پیش از انقلاب مشروطیت، آن جراحی دردناک زایمانی می رسد. از این زاویه می خواهم بگویم جناب عالی اگر چه برآمده نظام اسلامی هستید، اما درعین حال فرایند صلح آمیز تاریخی یک قرن مبارزه براءت و خیز مردم ایران هستید و خواسته های نهفته در جوان ملتی را بازتاب می بخشید که در خیزش های خامیخت خود بسیار بسیار سکندری خورده است تا روزی، سرانجام

تواند از گنجی بدرآید و در کمال و تعقل و آرامش، با رفتاری فرهیخته به پای صندوق های رای برود و تجلی آرزوهای دیرین نهفت خود را برگزیند. رفتاری که ما، همه ایرانیان در هر کجای جهان می توانیم به آن بسالیم، زیرا امکانی پدید آمد، تا مردمان ما بدین توانا شدند تا به خود و به دنیا بگویند از چه مایه بلوغ سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و مدنی برخوردارند؛ و همچنین تا چه مایه برخوردار هستند از روحیه ای سرشار از جوانی و زندگی و عشق به کار و سبزه گاه در ایرانی که آباد توانندش کرد. مردمانی زیرک و هوشمند، چندان و چنان که با رفتاری در نهفت سنجیده، گاه به نظر غافلگیرکننده می رسند، هوشمندی ای کم نظیر که خواهم گفت چرا و چگونه مشترک میان شما و مردمان است و امید می رود که در کیفیت برین خود پاس داشته خواهد شد، چرا که دریغ به دل ها می ماند اگر این حقیقت مردمی در سکون و سعایت و بهتان و بی مراقبتی، در یادها خشی و سپس گم شود. که مردم ایران برای دست یافتن به همین محدوده امکان انتخاب، تاوانی بس گزاف پرداخته است و این نکته را نیز شما نیک می شناسید.

سچند نکته دیگر

برخی گفته اند و شنیده ایم که سیاستمدار می بایستت آب زیرکاه و چنین و چنان باشد. من پاسخ داده ام "نه الزاماً" و دانسته ام چنین کسان حسب تجربیات قرناترین تاریخی خود، سخن می پردازند که "سیاست بر مردم" جز با شیوه و شگردهای ماکیاولی ممکن نتواند بود. ایشان یک نکته را نادیده می انگارند، و آن اینکه دکتر خاتمی قدرت را غصب نکرده است تا لازم باشد آن را با روش های ماکیاولی برای خود حفظ و بر مردم اعمال کند! بلکه قدرت به شهادت واقع بر وجدان دکتر خاتمی تحمیل شده است؛ هم از این رو منطقاً باید در نخستین مجال و بسنجیدگی دقیق در اندیشه توزیع و ساختار توانمند آن باشد. دیگر اینکه در نظر من صفات نکوینده، تعبیر منفی هوشمندی است؛ نه اصل بایستت هوشمندی، نیز امثال ایشان عنایت نداشته اند به این نکته ظریف که شهادت و شجاعت و حقیقت جوئی و یک رویه بودن با مردم، سیاست برین و یگانگی است از جانب انسانی که در میزان سنجش خود نیاز ژرف مردمان را به زاستی و درستی و نگرانی شان از خوف تباهی کشف و درک کرده است؛ پس با زبان مردم سخن می جوید و این تدبیری بس هوشمندانه و هوشمندانه ترین رای است.

دیگر اینکه برخی در این گمانند و گویند "خاتمی" خوشبازی (شانس) ارباب ذوق و قلم و فرهنگ است. اما من عقیده جز این دارم، بل چنین می اندیشیده ام و می اندیشم نیز که "حجت الاسلام و المسلمین سید محمد خاتمی"، در نخستین و پسین گام ها نیز شانس جمهوری اسلامی ایران است به جهت قرار و استمرار در لزوم مدارای حکومت با مردم، همچون ما به ازاء مدارای مردمان با حکومت در قریب دو دهه ای که گذشت و هیچ آسان نبود. و این "سیاست مدارا" حقیقتی است که حس می شود از جانب زعیمان بخرد جمهور و بخرد زعیمان به فراست دریافته شده است؛ و اگر برخی نمی خواهند یا نخواسته اند با رغبت این روشی را ببینند، به گمان مشکلی از کنورت آفتاب نیست، چرا که اینهمه طرح و انگاره های خوشایند هم که دکتر خاتمی درافکنده است از برکت وفاق میردم، نخست برای جمهوری اسلامی ایران به سود خواهد بود از باب دلجوئی مردمان، که ارباب ذوق و فرهنگ، شاید بدین برکت پس از کرختی

راه توده و بویژه توده‌ای‌ها، دقیق‌تر در جریان این مرحله نوین از کارزار در داخل کشور قرار گرفته و گام‌های خود را با گام‌های جنبش مردم هم‌آهنگ سازند. بخش‌های مربوط به بحث اختیارات رهبری را از این گفتگو برگرفته و در زیر می‌آوریم. این کارزار و اشکالی که به خود می‌گیرد، بار دیگر نشان می‌دهد که اهداف جنبش مرحله به مرحله و براساس آگاهی مردم و توازن نیروها در جامعه تعیین می‌شود، نه براساس میل و آرزوهای این یا آن سازمان و شخصیت سیاسی. جنبش مردم در این مرحله، پس از افشای فشارهای پشت پرده به دولت خاتمی، با موانع جدی که بر سر راه تحولات قرار دارد، آشنا شده و نسبت به ضرورت مقابله با این موانع آشنا می‌شود!

روزنامه سلام: «مردم باید بفهمند که رئیس جمهور در نظام اسلامی چه کاره است. شرح وظائف و اختیارات رئیس جمهور در قانون اساسی آمده است، ولی بعضی مسائل باید بیشتر باز شود... تقریباً تمامی قوانین کشور باید به تصویب مجلس برسد. مجلس مجاز است در هر زمینه‌ای قانون بنویسد، ولو در زمینه‌هایی که اختیاراتش بطور مستقیم مربوط به رئیس جمهور است. به عنوان مثال شنیده‌ام بعد از اینکه مشکلائی در انتخاب وزیر اطلاعات پیش آمده بود، عده‌ای از نمایندگان مجلس در صدد برآمدند تا با ارائه طرحی، وزارت اطلاعات را به سازمان تبدیل کنند تا بدین ترتیب از زیر پوشش قوه مجریه خارج شود و تحت نظر مستقیم مقام رهبری قرار گیرد. البته این طرح خلاف صریح قانون اساسی است. رئیس جمهور حتی در زمینه تضمین آزادی انتخابات و آزادی احزاب نمی‌تواند قول قطعی به مردم بدهد. بخش مهمی از آزادی انتخابات با توجه به قانون نظارت استصوابی در اختیار شورای نگهبان است. در مورد آزادی احزاب هم یک کمیسیون ماده ۱۰ داریم که در وزارت کشور مستقر است و از دو نماینده مجلس، دو نماینده قوه قضائیه و تنها یک نماینده از قوه مجریه تشکیل می‌شود. بنابراین باید توجه کنیم که شعارهایی که آقای خاتمی در خصوص حاکمیت قانون و آزادی مطرح کرده است، تنها به اتکای توان خودش نبوده و به حمایت قوای دیگر و حمایت کل نظام در تحقق این شعارها امید داشته است.

اگر آقای خاتمی خدای ناکرده در انتخابات مجلس شورای اسلامی، مجلس خبرگان و یا شوراهای (اگر برپا شود) مشکلی ببینند، با قوانین فعلی دستش بسته است و اگر تخلفی دید، باید مثل هر شهروند دیگری به شورای نگهبان شکایت کند و دیگر با شورای نگهبان است که چگونه بخواهد با آن تخلف برخورد کند.

قوه قضائیه در کشور ما کاملاً مستقل است و زیر نظر رهبری قرار دارد و رئیس جمهور هیچ اشرافی بر آن ندارد. نیروهای مسلح در کشور زیر نظر مستقیم فرماندهی کل قوا و رهبری هستند و رئیس جمهور هیچ اشرافی بر آنها ندارد. اگر فرماندهی قوای انتظامی به گونه‌ای که قبلاً مرسوم بوده از طرف رهبری به وزیر کشور تفویض شود، قوه مجریه می‌تواند به پلیس و نیروهای انتظامی امر و نهی کند. درغیر اینصورت قوه مجریه و رئیس جمهور، نیروی نظامی و انتظامی در اختیار نخواهد داشت. این یک رئیس جمهوری است که به طور معمول در جمهوری اسلامی روی کار می‌آید و در میان مراکز رسمی قدرت در کشور، چنین جایگاهی دارد، ضمن اینکه در نظام ما براساس قانون اساسی، رهبری اختیارات بسیار گسترده‌ای دارد، که آن هم در حیطه کار رئیس جمهور نیست، اختیارات رهبری، اختیارات کلان و گسترده‌ای است که طبیعتاً رئیس جمهور از آن نوع اختیارات بهره‌مند نیست. از جمله این اختیارات، تدوین سیاست‌های کلی نظام است که بحث بسیار مهمی است. آقای خاتمی در چنین شرایطی رئیس جمهور کشور شده است. کسانی که در داخل و خارج کشور می‌خواهند توقعات بسیار زیادی در مردم ایجاد کنند، حال آنکه امکانات خیلی زیادی در اختیار آقای خاتمی نیست، این توقعات در واقع با این هدف ایجاد می‌شود که مردم را نسبت به آقای خاتمی مایوس و ناامید کند. بدین ترتیب که مردم ابتدا تصور کنند که آقای خاتمی آمده یک سری معجزه‌های عجیبی بکند، ولی در عمل ببینند که شرایط شبیه آن چیزی است که قبلاً بوده است.»

خاکستری سالیان بدرآیند، و این چرخ به حالت پیش از بیماری بازگشتن است، بعد از دوره‌ای نقاهت طولانی: "شکرا که عاقبت!"

چه دشوار، اما چه دشوار است سیمای امید یک ملت شدن، راهی چه دشوار، و کاری چه سترگ که شما برابر روی خود دارید؛ به راستی در تنهایی خود خوف نمی‌کنید از پندار اینکه انبوه مردمان، نجات و ناجی [منجی] خود را در سیمای شما می‌جویند؟! چگونه این پلگره کور گشوده خواهد شد و چگونه و بنا کدام روش‌ها شما خواهید توانست در عمل به مردم بقبولانید که "خاتمی" بس نمای و تجلی ایشان است و اینکه سرانجام، خود مردم می‌باید ناجی [منجی] خود باشند؟! و آیا شما چنین خواهید کرد؟ نمی‌دانم! اما کو چاره جز امید؟! امیدی البته آمیخته به نگرانش در این قلاب سخت که شما در آن دچار هستید، من، این شهروند هنوز روستائی، از سر همدلی با شما باید بگویم که نگرانی‌ام نسبت به آینده هیچ کم از سرخوشی‌ام نسبت به اکنون نیست؛ که مردمان را من نیز کم و بیش می‌شناسم و دانم که ما مردم، بسیار خوش آغاز هستیم و... پس، نگهداشت این سرخوشی آغازین و توان تداوم آن درگام از گام فردا- آینده، هنر ظریف و تدبیری تمام می‌طلبد تا -خدای را- این آغاز خوش به فرجام بد نینجامد!

با آرزوی ایجاد چنین تعادل و بسنجیدگی‌ای ست که برخود می‌دانم ادای فریضه کنم و مقبولیت انتخاب، تنفیذ و تائید جناب عالی را در مقام رئیس جمهوری اسلامی ایران، تبریک و تهنیت بگویم و چون یک تن از خیل نویسندگان این سرزمین به شما و بزنامه‌های رهگشايتان خوشآمد بگویم و انتظار داشته باشم که از این پس ورطه بهتان و مرگ و پراکندگی و تبعید و گریز و انزوی سربو سنگین قلم سپری شده باشد و دیگر قلم به زندان اندر نشود، که به زندان اندر نتوان عیب کارها و رفتارها برشمرده به جهت پیشبرد کارها و صیقل دادن زندگانی مردم و دولت، که این زندگانی دراز نباد و بارآورد بادا بر شما و بر همگان این مردم، انشاء الله. (۲۶ مرداد ۷۶)

اختیار با کیست؟ مسئولیت با کیست؟

بحث پیرامون اختیارات و مسئولیت‌هایی که رهبر جمهوری اسلامی در چارچوب قانون اساسی دارد و اختیارات مطلق که وی برای خود قائل شده و در تمامی امور کشور دخالت مستقیم و غیر مستقیم می‌کند، اکنون به بحثی جدی در جمهوری اسلامی تبدیل شده است. از آنجا که این بحث‌ها در سطح جامعه جریان یافته و آشناری از حکومتان و پیرامونیان آن سهم خویش را در آن برعهده گرفته‌اند، می‌توان امیدوار بود، که سرانجام مردم، خود حدود مسئولیت‌ها و اختیارات را مشخص سازند. موضع‌گیری‌های رهبر کنونی جمهوری اسلامی و مشاوران و نزدیکانش در جریان انتخابات مجلس پنجم و ریاست جمهوری و بویژه تعلل دو ماهه برای اعلام کابینه محمد خاتمی، مردم را بیش از پیش متوجه خطرات و موانع ناشی از اختیارات مطلق رهبری بر سر راه تحولات کرده است. بحث مربوط به اختیارات و مسئولیت‌های رهبری، با آنکه مدت‌ها بود بصورت اشارات در مطبوعات جریان داشت، اکنون با صراحت بیشتری مطرح می‌شود. از جمله روزنامه کیهان به تاریخ ۹ شهریور ۱۳۷۶ و در تفسیر اختیارات مطلق رهبری می‌نویسد، که رهبر برگزیده خداوند است (چیزی شبیه ظل الله در نظام شاهنشاهی) و مجلس خبرگان او را نه انتخاب، بلکه کشف کرده‌اند و بدین ترتیب مردم نقشی در تعیین او ندارند!

بصورت همزمان، روزنامه سلام، متن گفتگویی مهمی را با مهندس بهزاد نبوی، از رهبران سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، به تاریخ ۹ شهریور ۱۳۷۶ چاپ کرده است، که شاید بتوان آنرا صریح‌ترین موضع‌گیری در این ارتباط و از سوی نیروهای حکومتی و پیرامونیان آن دانست. برای آنکه خوانندگان

از فاکس و تلفن شماره ۰۲۱۲۳-۴۹ (آلمان) می‌توانید برای تماس سریع با «راه توده» و ارسال اخبار و گزارش‌های خود استفاده کنید.